



حماسه ورزش ایران در ملبورن؛

روزی که فوتبال محور وحدت ملی شد

شبه‌شنبه ۸ آذر ۱۴۰۱، ۴ جمادی الاول ۱۴۴۴_ ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲

شهدای روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

«درب» برنده جشنواره سه قاره نانت شد

بالون نقره‌ای برای هادی محقق



سال هفتم _ شماره ۲۰۷۳ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

فهم گفت و گو مقدم بر انجام آن



رضا صادقیان
روزنامه‌نگار

دعوت صاحبان قدرت به «گفت‌وگو» با معترضان، دل‌سوزان ایران و حتی منتقدان برای عبور از تنش‌های امروز بسیار لازم، اما کافی نیست. پرسش اینجاست؛ وقتی از گفت‌وگو سخن می‌گوییم، دقیقاً چه چیزی مدنظرمان است؟ بزرگ‌ترین گره گفت‌وگو به رویکردها بازمی‌گردد، چرا که همچنان تصویر مشخص و روشنی از گفت‌وگو و اهداف مرتبط با این مسئله برای طرفین قابل ترسیم نیست، در واقع مخاطب نمی‌داند قرار است درباره چه امری گفت‌وگو شود؟ هدف چیست؟

شرح در همین صفحه

یادداشت‌ها

شاعران و جنبش‌های اجتماعی



فیض شریفی
پژوهشگر ادبیات

ایران و قطر؛ رقیب نفتی، رقیب سیاسی



ایلاس صالحی‌نژاد
پژوهشگر نفت

گفت‌وگو پروژه ناتمام



عبدالحسین طوطیایی
فعال مدنی

گزارش همدلی از مصوبه ۳۳۰۶ پس از گسترش اعتراضات در کشور
صدایی که شورای انقلاب فرهنگی شنید

همدلی اعتراضات اخیر و گستردگی آن در بین قشر جوان و دانشجوی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی را بر آن داشت که واقعیت تحول نسلی و جویگو نبودن سیاست‌های فرهنگی فعلی را ببپذیرد و دست به بازنگری در برنامه‌ها و سیاست‌های پیشین خود بزند و تجویزهایی متفاوت از گذشته را ارائه کند.نادنا این شورا در تاریخ ۱۷ مهر امسال اهم مسائل و راهبردهای فرهنگی جهت تقویت سلامت و آرامش اجتماعی تحت عنوان مصوبه شماره ۳۳۰۶ تصویب و در تاریخ اول آذر ۱۴۰۱ ابلاغ کرد.

۸۰ هکتار از جنگل‌های شمال در آتش سوخت

آتش سوزی ای که مسئولان بی‌اهمیت می‌دانند

بر خلاف گذشته خبری از تیزرهای جذاب فیلم‌های روی پرده در تلویزیون نیست؟

سیماعلیه‌سینما

علی‌رغم تسریع در روند آزادی بازداشت‌شدگان؛

دو خبر نگار دیگر بازداشت شدند

فهم گفت‌وگو؛ مقدم بر انجام آن

رضا صادقیان- دعوت صاحبان قدرت به «گفت‌وگو» با معترضان، دل‌سوزان ایران و حتی منتقدان برای عبور از تنش‌های امروز بسیار لازم، اما کافی نیست. پرسش اینجاست؛ وقتی از گفت‌وگو سخن می‌گوییم، دقیقاً چه چیزی مدنظرمان است؟

بزرگ‌ترین گره گفت‌وگو به رویکردها بازمی‌گردد، چرا که همچنان تصویر مشخص و روشنی از گفت‌وگو و اهداف مرتبط با این مسئله برای طرفین قابل ترسیم نیست، در واقع مخاطب نمی‌داند قرار است درباره چه امری گفت‌وگو شود؟ هدف چیست؟ آیا منظور از گفت‌وگو همانند انجام دادن یک پروژه از نقطه صفر به صد است؟ یا یک فرآیند تا رسیدن به نتیجه مطلوب و مشخص است؟ آیا گفت‌وگو روشی است تا میزان انتقاداتنا نسبت به تصمیم‌گیری‌های قدرت و سیاست‌گذاری‌های هزینه‌را کاهش یابد؟ یا اقرار است در گفت‌وگو تصویر مطلوب صاحبان قدرت به عنوان نهایی‌ترین تصویر و غیرقابل خدشه از شیوه حکمرانی معرفی گردد؟

بهترین مسیر برای شکل‌گیری و انجام یک کتش معطوف به نتیجه فهم آن مفهوم است. در این‌جا و به صورت مشخص فهم مفهوم گفت‌وگو بسیار مهم‌تر از انجام گفت‌وگو است. تا زمانی که طرفین نسبت به امر گفت‌وگو فهیمی مشخصی نداشته‌باشند، چه بسا گفت‌وگو به امری نازل، تک‌گویی و جدل‌گونه و با حاشیه‌های پرشمار در عرصه عمومی نمایان شود. از همین‌رو می‌توان گفت از امر گفت‌وگو دو برداشت بسیار متفاوت فهم می‌شود. ابتدا به شیوه‌ای می‌پردازیم که در کشور خودمان سابقه‌ای بس طولانی، ریشه‌دار و جان‌دار دارد. در این رویکرده گفت‌وگو یعنی حرف زدن یک نفر برای چند نفر، یا سخن گفتن درباره یک موضوع مشخص و بدون کسب نتیجه‌ای معلوم. در واقع طرفین بدون آنکه برداشت مشخصی از امر گفت‌وگو داشته باشند دور یک میز جمع می‌شوند و ساعت‌ها مشغول حرف زدن، ارایه گزارش، گلایه و انتقاد از روش‌های حکمرانی می‌شوند و در نهایت پس از خاتمه جلسه هر کس مواضع گذشته خودش را تکرار کند! این همه نه تنها گفت‌وگو نیست، بلکه می‌توان آن‌را سخن گفتن، حرف زدن، جدل و خاطره‌گویی دانست. مانند گفت‌وگوی دولت با بخش خصوصی، شورای گفت‌وگوی دولت با هنرمندان، گفت‌وگوی سخنگویی دولت با دانشجویان، گفت‌وگوی اسنادید دانشگاه با دولت، گفت‌وگوی رئیس دولت با مردم در تلویزیون، گفت‌وگوی وزیر راه با خبرنگار فرهنگی، برگزاری جلسه هم‌اندیشی‌نخبگان با دولت و آخرین نمونه آن گفت‌وگوی وزیر کشور با اسنادید دانشگاه است. کارنامه این نوع گفت‌وگوها پیش روی ماست و با حداقل جستجو در اینترنت می‌توان نتایج حاصل از این نوع گفت‌وگو را در خبرگزاری‌های کشور دید. معمولاً آنچه در این نوع گفت‌وگوها حتی در ظاهر به چشم نمی‌آید، انجام گفت‌وگو است. در واقع طرفین سخن‌های بسیار می‌گویند، اما توافقی نسبت به رفع مسائل حاصل نمی‌شود، چرا که یکی از طرفین گفت‌وگو ببنیان وجود مسئله و دشواریها را نفی می‌کند. اما درباره رویکرد-معنای دیگر گفت‌وگو می‌توان گفت که انجام گفت‌وگو با رویکرد مسئله‌محور در نگاه طرفین صورت‌بندی می‌شود. در گفت‌وگوی واقعی طرفین قرار است درباره یک موضوع مشخص و مسئله‌ای حل نشده و بر زمین مانده و در شرایط برابر گفت‌وگو کنند و راه حل‌های احتمالی را با سنجش‌های عقلانی و در جهت کاهش هزینه‌های احتمالی در ساختار حکمرانی بیابند. در این‌جا محور شکل‌گیری گفت‌وگو رسیدن به تفاهم برای حل مسئله است. در یک گفت‌وگوی واقعی طرفین می‌پذیرند که در سیستم تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و روش‌های اجرایی به دلایل بسیار و یا آن‌گونه که کارشناسان خیره در گزارش‌های رسمی مطرح کرده‌اند، دشواری‌هایی وجود دارد و برای کاهش عواقب و جلوگیری از زیاهش بحران‌های جدید در این سیستم می‌بایست گفت‌وگو کرد. پرواضح است که در این نوع از گفت‌وگو طرفین مواضع گذشته خود را رها می‌کنند و کسی در درستی و صددرصص بودن آن یافشاری نمی‌کند؛ چرا که قرار به گفت‌وگو است و نه تگ‌گویی و یک‌سویه‌گویی. بدون تردید در چنین رویکردی جایی برای تکرار نصیحت، سخنرانی، نادیده گرفتن مسائل و منکوب کردن مطالبات شهروندان از سوی طرفین وجود نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد آنچه در حال حاضر در سپهر عمومی کشور از امر گفت‌وگو قابل مشاهده است، انجام برخی دیدارهای چهره‌های سیاسی بارئیس‌جمهور، ریاست قوه قضاییه و دبیر شورای عالی امنیت ملی و برخی صاحبان قدرت درباره وقایع اخیر در کشور است. مهم‌تر آنکه هنوز خبر دقیقی درباره محتوی این دیدارها و شکل‌گیری گفت‌وگو مبنی بر راه حل‌های ارایه شده در دسترس نیست. احتمالاً می‌توان نام این رفتار را دیدار، صحبت کردن و گپ‌وگفت قدرت‌مداران دیروز با صاحبان قدرت امروز گذاشت، اما نام نهادهان کلیدواژه گفت‌وگو بر این دیدارها و نشست‌های دوستانه خبر از تحقق یک گفت‌وگو برای حل مسائل، بحران‌ها و ابرچالش‌های ایران امروز را عیان نمی‌کند.

همدلی در حالی گزارش‌ها حکایت از خالی شدن سفره‌های اقبال ضعیف از مواد پروتئینی دارد که گفت‌وگوها برای دستمزد سال آینده از همین حالا شروع شده و فعالان کارگری همچنان از جاماندن دستمزد نسبت به تورمی که در جریان است خبر می‌دهند. مشاهدات حاکی از آن است که همچنان هر شانه ۳۰

با جاماندن دستمزد از تورم، هزینه معیشت به ۱۱میلیون تومان رسید

دخـل کارگران ۳۷درصد خرج

عددی تخم‌مرغ با قیمت بالای ۱۰۰ هزار تومان در مغازه‌ها عرضه می‌شود، در حالی که بنا بر گفته تولیدکنندگان، قیمت تخم‌مرغ در مرغ‌داری‌ها افزایشی نداشته و باید با قیمت ۸۵ تا ۹۰ هزار تومان به دست مصرف‌کنندگان برسد.

شرح در صفحه ۶



احمد زیدآبادی روایت کرد؛

تصمیم سید محمد خاتمی برای ختم سیاست‌ورزی



در بی دستور رئیس قوه قضائیه انجام شد؛

آزادی حدود ۷۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان اخیر

یادداشت

ایران و قطر؛ رقیب نفتی، رقیب سیاسی

الیاس صالحی‌نژاد- همکاری امنیتی قطری‌ها با جمهوری اسلامی ایران مانند ممانعت از ورود خبرنگاران شبکه‌ک ایران اینترنت‌نشال به قطر و عدم اجازه ورود هر چرمی بجز پرچم رسمی و ممانعت از ورود تماشاگرانی که بر روی لباس یا بدن آنها شعارهایی بر خلاف خواست جمهوری اسلامی ایران نوشته شده باشد، موجب شگفتی ناظران و ایرانیان سراسر جهان شد. پیش از این نیز اقداماتی چون منع مصرف مشروبات الکلی قبل از شروع بازی‌ها و جلوگیری از ورود نمادهای جنسی و جنسیتی به ورزشگاه موجب اعتراض برخی کشورهای حاضر در جام جهانی و نهادهای حقوق بشری شده است. در این نوشتار به دلایل این هم‌کاری قطر با جمهوری اسلامی از دو زاویه اقتصادی و سیاسی پرداخته شده است.

پس از آن‌که عربستان و شر‌کای منطقه‌ای مانند امارات متحده عربی، بحرین و مصر در سال ۲۰۱۷ به بهانه اظهارات امیر قطر مبنی بر تمجید از ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و نیز پشتیبانی از گروه‌های تروریستی مانند داعش و القاعده و حماس و اخوان‌المسلمین تصمیم به قطع روابط خود با قطر و تحریم همه‌جانبه زمینی، دریایی و هوایی این کشور گرفتند ایران و ترکیه به حمایت از این کشور کوچک و ثروتمند برخاستند. ایران هم‌گام با ترکیه با ارسال مواد غذایی و برخی کالاهای ضروری از طریق هوایی و دریایی به قطر، از بروز بحران امنیت غذایی در قطر جلوگیری کرد. همچنین ایران آسماهان خود را به روی هواپیماهای قطر باز گذاشت. این اقدام موجب نزدیکی بیشتر به قطر و کم اثر نمودن اقدامات تحریمی عربستان و متحدانش شد.

روابط بسیار نزدیک با قطر موجب شد ترکیه حمایت‌های اقتصادی و سیاسی خود را با اعزام نیروی نظامی به قطر تکمیل نموده و به متحد استراتژیک قطر در منطقه تبدیل شود. هم‌سویی دوچه و ابتکارا در مسائل منطقه‌ای مانند حمایت از مخالفان بشمار اسد و اخوان‌المسلمین عملاً به مانهی برای تعمیق روابط سیاسی قطر با ایران تبدیل شد و رفته رفته ترکیه در صادرات کالا و مواد غذایی به قطر، از ایران پیشی گرفت. مجموع تحریم‌های سیاسی- اقتصادی اتحادیه عرب به رهبری عربستان بر علیه قطر، رنگ هشدار را برای این امیرنشین بسیار ثروتمند که مساحتی به اندازه استان قم دارد به صدا درآورد و قطری‌ها متوجه شدند که برای حفظ استقلال و تمامیتی ارضی خود باید روابط اقتصادی- سیاسی با همسایگان شمالی و به‌ویژه ایران را عمیق‌تر و مستحکم‌تر نمایند. این تصمیم راهبردی هر چند به انعقاد برخی قراردادهای اقتصادی با ایران منجر شد، اما به دللیلی که ذکر شد در زمینه سیاسی چندان گسترش نیافت، با این وجود دوری نسبی قطر از اتحادیه عرب و نزدیکی بیشتر با ایران، برای دیدلماسی خارجی جمهوری اسلامی یک برد محسوب می‌شود. شاید هم‌کاری‌های امروز دوچه با تهران در کنترل حاشیه‌های جام جهانی و توجه به بخش زیادی از خواسته‌ها و دغدغه‌های دولت ایران را باید به نوعی پاسخ تشکر قطر به حمایت‌های ایران دانست.

از نظر اقتصاد نفتی روابط ایران و قطر در خلیج‌فارس از ظرفت و پویچدیگی بیشتری برخوردار است. می‌دانیم که ایران و قطر پس از روسیه به ترتیب دارای جایگاه دوم و سوم گاز طبیعی در جهان هستند و این جایگاه به دلیل وجود میدان‌گازی نفتی مشترک پارس جنوبی بین ایران و قطر است. این میدان بزرگ‌ترین میدان‌گازی جهان است که حدود یک سوم کل گاز جهان را در خود جای داده و در قطر به نام گنبد شمالی خوانده می‌شود. قطر از سال ۱۳۴۷/۱۹۸۹ به‌ربرداری از این میدان بزرگ و مهم را آغاز نموده در حالی که ایران از سال ۱۳۸۱ شروع به بهره‌برداری گاز و میعانات‌گازی نمود یعنی عملاً قطر بیش از ۱۲ سال زودتر از ما از این میدان مشترک برداشت کرده و به بزرگ‌ترین صادر کننده گاز طبیعی مایع (LNG) جهان تبدیل شده است. ضمن اینکه از سال ۱۳۹۶ به بعد میزان تولید ما با قطر برابر شد(هر کشور حدود ۷۰۰میلیون مترمکعب گاز طبیعی در روز تولید می‌کند). طبق محاسبات، میزان درآمد قطر از پارس جنوبی در دهه اخیر حدود ۵ برابر ایران بوده است. برای درک این میزان اختلاف، لازم است به برداشت نفت خام از لایه نفتی پارس جنوبی اشاره شود. در حال حاضر قطر روزانه حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام از این مخزن تولید می‌کند حال آنکه سهم ایران حدود ۲۵ هزار بشکه است. از دلایلی که برای عقب افتادن ایران ذکر شده تحریم‌های غرب در زمینه سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری‌های پیشرفته در حفاری و فرآوری نفت می‌باشد. بی‌شک این تحریم‌ها برای قطر فرصت بی‌ظنیری ایجاد نموده تا از این میدان‌گازی نفتی مشترک حداکثر سود را کسب کند. پس حمایت قطر از سیاست‌های جمهوری اسلامی و کمک به حفظ وضعیت فعلی کاملاً با منافع ملی آنها مرتبط است. بی‌شک با برداشته شدن تحریم‌های ایران، فرصت‌های قطر برای یک‌ه‌کازی در پارس جنوبی هم بر یاد خواهد رفت.

یادداشت

گفت‌وگو؛ پروژه ناتمام

عبدالحسین طوطیایی- آنچه اکنون پس از موج اعتراضات دو ماهه اخیر در گفتار، رفتار و پندار اکثر مومطنان می‌توان مشاهده کرد این سوال مهم است که سرانجام چه خواهد شد و به کجا می‌رویم؟ شاید که از اصلی‌ترین دلایل این بهت‌فزاینده، ناهم‌گویی بین تریبون‌های مختلف و متعدد در هر یک از قوای مدیریت کشور در خطاب‌های عمومی آنها باشد. اگر روزی رئیس دستگاه قضا در سخنان خود درچینه‌ای از گفت‌وگو بر روی معترضین می‌گشاید، اما دبیری نمی‌یابد که خود ایشان و یا دبیرگانی موثر در فضای سیاسی کشور، با سخنانی متفاوت، قلبی بر گشایش‌های اعلام شده می‌زنند. در شرایطی که برخی از مسئولان دولسوزان با بیانی امیدوارانه در تلاش کاستن از التهاب‌ها هستند، برخی چهره‌های شناخته شده نیز، به طور مرتب لب به تهدید می‌گشایند و وعده انتقام می‌دهند و از این رهگذر هر روزنه‌ای برای برون‌رفت از اسناد موجود را می‌پندند.

با مرور این آشفتگی و ناهماهنگی در بین صاحبان کرسی‌های کلیدی کشور، حکایتی طنزآمیز اما قابل تامل به ذهن متبادر می‌شود که بر اساس آن کسی مشاهده میز می‌کند که گروهی کارگر در حال کندن کانالی در زمین هستند و به دنبال آن گروهی دیگر بلافاصله به پر کردن همان کانال مشغول‌اند. با حیرت علت را جویا شد. گفتند: ما سه گروه کارگریم که قرار است لوله‌هایی در این مسیر کار بگذاریم. گروهی از ما مسئول کندن کانال و گروهی متولی گذاشتن لوله و دسته سوم موظف به به پر کردن کانال کنده شده‌اند. اما امروز کارگران مسئول لوله‌گذاری نیامده‌اند و ما هم هر کدام به وظایف محوله مشغول هستیم. چنین تمثیلی با ناهماهنگی در تریبون‌های نظام مدیریتی حال حاضر کشورمان چه بسا مشابهت زیادی دارد. در هر یک از این تریبون‌ها در بیان مواضع خود نسبت به جریان‌ات اخیر تنها به سلیقه و دیدگاه جناحی خود عنایت داشته و بر آن نیستند که از موضع منافع ملی و تحت هدایت یک نگاه فراگیر جامع و در برابر حوادث اخیر بازتاب نشان دهند.

با مروری بر برنامه‌های توسعه و جهت‌گیری فعالیت بسیاری دستگاه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و نیز قضایی چه بسا به این نتیجه برسیم که بسیاری از آنها تنها به رونق کوتاهمدت دستگاه متبوع خود، بدون توجه به پیامدهای تخریبی در سطح ملی، متمرکز بوده‌اند. احداث سد‌های متعدد و بدون بررسی دقیق هیدرولوژیکی در سر شاخه‌های منتهی به دریاچه ارومیه که به خشک شدن مخاطره‌آمیز آن منجر شد، را باید یکی از مصادیق بارز بخشی‌نگری پروژه‌های توسعه شبان‌بده کشورزی به شمار آورد. اکنون هم اگر به گزارش‌های وزارت جهاد کشاورزی بنگریم دغدغه‌ای در مدیریت و حفظ بقایای ذخایر آب زیر زمینی موجود به‌چشم نمی‌خورد. تمامی مساعی این وزارت‌خانه آن است که با بهره‌کشی از آخرین این ذخایر بتواند ثابت کند که در ایام مدیرپریت خود تولید محصولات افزایش یافته است. مثال‌های پرشماری از بی‌گیری نمایندگان مجلس گذشته و حال دیده شده که برای اجرای پروژه‌های درحوزه انتخابیه خود بر وزیر مربوطه فشار آورده‌اند. پروژه‌هایی که از منظر توسعه پایدار و منافع ملی چه بسا کارکردی زیان‌بار وضمدلی داشته است. اکنون که بیش از هر زمان دیگر به اطلاق فکری هدرت‌مند و هماهنگ برای پاسخ مدنی و هم‌گرایانه به جوانان معترض کشورمان نیاز داریم. ای کاش از این ناهماهنگی در نحوه مواجهه با ناآرامی‌های اخیر به گونه ای پایان پذیرد تا مبداا تریبون‌هایی از موضع علائق جناحی و بان‌دی خود بزنیزن بر این آتش افروخته بریزند.

احمد زیدآبادی روایت کرد؛ تصمیم خاتمی برای ختم سیاست‌ورزی

همدلی سیدمحمد خاتمی که روزی در زمان ریاست جمهوری‌اش بی‌ظنیرترین اقبال مردمی تاریخ به روسای‌جمهور ایران را تجربه می‌کرد و روزگاری دیگر علی‌رغم آن که از منصبی سیاسی واجرایی برخوردار نبود، به انگشت اشاره‌اش رئیس‌جمهور انتخاب می‌شد و ترکیب مجلس‌شورای اسلامی و خبرنگاران تغییر می‌کرد، روزهای دشواری را می‌گذراند. از یک طرف گفته می‌شود، که به توصیه‌ها و نامه‌هایش برای ایجاد تغییرات در فضای کنونی کشور اعتنایی نمی‌شود و از سوی برخی تندروهای جریان اصول‌گرا به فتنه وحتی خیانت نیز متهم می‌شود.از سوی دیگر نیز از طرف بنده مردمی که روزگاری منتظر اشاره‌اش بودند، به بی‌عملی وانفعال متهم می‌شود. او اکنون در میان دو لبه چیچی‌ای ایستاده است که می‌توان یک لبه آن را تندروهای اصول‌گرایی دانست که همواره از خارطه محبوبیت او در زمان‌های گذشته زخم خورده‌اند و یک لبه آن نیز مجموعه‌ای از بنده اصلاح‌طلبی است که انتظار همراهی بیشتری از او داشتند، و به‌اضافه گروه‌های برانداز که همواره تلاش می‌کنند مرجعیت سیاسی مردم را به بیرون از مرزها انتقال دهند و از این گفتار خاتمی رقیب خطنانکی برای آن‌هاست. او در شروع این اعتراضات اگرچه یک دو موضع‌گیری داشت که البته چندان مورد توجه مردم خشمگین قرار نگرفت، اما خبر نوشتن نامه‌اش به ارکان نظام درباره اتفاقات اخیر یک بار دیگر او را در کانون برخی تحلیله‌ها قرار داد. تازه ترین موضعی که درباره او گفته شد این بود که گویا قرار داشت از سیاست‌ورزی کنارگیری کند. موضعی که به خوبی نشان می‌دهد که او چه اندازه خود را ناتوان از اثرگذاری در این عرصه دیده است.

احمد زیدآبادی که به تازگی اعلام کرده بود دیگر در فضای داخلی سیاست‌ورزی نخبوه‌اگر، روز گذشته روایتی از این تصمیم خاتمی منتشر کرد و گفت او نیز می‌خواست تصمیمی مشابه تصمیم او بگیرد.

این روزنامه‌نگار و فعال سیاسی اصلاح‌طلب در کاتال تلگرافی خود در این باره نوشت:

«دیروز ورزش بادی تند، هوای تهران را پاک و دلپذیر کرده بود. به اتفاق فرزندم راهی دارآباد شدیم، البته نه برای گردش و تفرح در دامنه‌های شمال شرقی تهران، بلکه برای دیدار با سید محمدخاتمی.»

زیدآبادی در بیان علت این دیدار نوشت: «آقای خاتمی از اعلام کناره‌گیری‌ام از سیاست دل‌نگران شده بود و می‌خواست دلپیش را بداند، دو ساعتی با هم در این باره گپ زدیم.» این فعال سیاسی ادامه داد: «من برای آقای خاتمی به عنوان یک روحانی خوشفکر و فرهنگی و مداراجو همیشه احترامی عمیق قائل بوده‌ام، گرچه نیش قلمم علیه برخی جنبه‌های نگاه و عملکرد سیاسی او معمولاً نیز بوده است.»

زیدآبادی سپس به موضعی تازه اشاره کرد نوشت:«جالب اینکه آقای خاتمی هم گفت که چند ماه پیش در صدد انجام همان کاری بوده که من انجام داده‌ام، یعنی اعلام کناره‌گیری از سیاست روزمره و دل‌مشغولی به کارهای نظری و فکری و فرهنگی، اما تحولات مامه‌ای اخیر وی را از این کار بازداشته است.» او در پایان نوشت:«به او گفتم به خلاف ظاهر اوضاع، یکی از احتمالات آینده، اقبال دوبارهٔ جامعه به اوست. خندید و گفت؛دیگه از من گذشته است! گفتم؛ گردش روزگار ما غریب است...»